

## نقش نیروهای مقاومت در مردمی کردن امنیت

### (مطالعه موردی حشد الشعبی)

احمد زارعان<sup>۱</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

#### چکیده

حشد الشعبی عراق یکی از نهادهایی است که با الهام گرفتن از سازمان بسیج ایران، در یک مقطع تاریخی حساس، به فرمان مرجعیت عالی عراق و برای مقابله با تهدید سخت داعش تأسیس شده است. این نهاد توانسته است به طور مؤثری با تهدید داعش مقابله نموده و کارویژه‌های خود را در دفاع از اماکن مقدسه، مردم و حاکمیت عراق به خوبی به انجام برساند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها، ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های «امنیت مردم‌پایه» را احصا نموده و در ادامه وضعیت حشد الشعبی را در انطباق یا عدم انطباق با این ابعاد و مؤلفه‌ها بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امنیت مردم‌پایه دارای دو بعد سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی است. بعد سرمایه اجتماعی دارای چهار مؤلفه هنجارمندی، شبکه‌ای، اعتمادپایه و مشارکت‌پایه است. همچنین، بعد هویت اجتماعی نیز دارای دو مؤلفه هویت‌پایه و غیریت‌پایه است. حشد الشعبی نهادی است که ابعاد دوگانه و مؤلفه‌های شش‌گانه امنیت مردم‌پایه را داراست. حشد الشعبی علاوه بر اینکه مردم را به‌عنوان کارگزاران دفع تهدید و تولید امنیت به میدان آورده است، موضوع و مرجع امنیت را نیز متناسب با خواست و اراده مردم عراق تعریف کرده است.

#### واژگان کلیدی

امنیت، امنیت مردم‌پایه، حشد الشعبی، بسیج، عراق



## مقدمه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام‌های سیاسی، تحقق امنیت است؛ به عبارت دیگر، یکی از شاخص‌هایی که کارآمدی یا ناکارآمدی دولت‌ها با آن سنجیده می‌شود، توفیق دولت‌ها در تأمین حد مقبولی از امنیت است. از آنجا که میزان مشروعیت دولت‌ها به طور مستقیم از میزان کارآمدی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، ناکارآمدی دولت در دفع تهدید و تولید امنیت باعث استهلاک مشروعیت آن خواهد شد.

دولت‌ها برای اثبات کارآمدی و تقویت پایه‌های مشروعیت‌شان و همچنین تقویت حاکمیت ملی و نیفتادن در ورطه فروماندگی و ورشکستگی، ناگزیرند تهدیدات را به صورت مؤثر دفع کرده و امنیت را در عالی‌ترین سطوح محقق کنند. براین اساس، دولت‌ها از انواع روش‌ها و از طیف متنوعی از بازیگران برای دفع تهدید و تحقق امنیت استفاده می‌کنند. امنیت مردم‌پایه، یکی از شیوه‌های تأمین امنیت است که در آن، مردم اصلی‌ترین کارگزار تأمین امنیت به‌شمار می‌روند. در امنیت مردم‌پایه، عامل اصلی دفع تهدیدات و تولید امنیت، مردم هستند و به‌دلیل نقش‌آفرینی مردم، هزینه دفع تهدید و تولید امنیت کاهش می‌یابد.

گروه‌های مقاومت را که کم‌وبیش نهادهایی مردمی محسوب می‌شوند، می‌توان کارگزاران نوظهور در عرصه دفع تهدیدات و تولید امنیت در نظر گرفت. نهاد بسیج را که در بدو پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد، می‌توان یکی از تجارب موفق و ارزشمند مردمی کردن امنیت تلقی کرد که توانسته است با کمک شبکه گسترده و فراگیری از مردم، تهدیدات ضدانقلاب داخلی و دشمنان خارجی را به طور مؤثری دفع کند. توفیقات بسیج در تولید امنیت، به عرصه سخت محدود نشد و این نهاد انقلابی توانست در عرصه نیمه‌سخت و نرم نیز دستاوردهای بزرگی در دفع تهدیدات و تولید امنیت به دست آورد.

هم‌زمان با صدور گفتمان انقلاب اسلامی، ایده و فرهنگ بسیج نیز صادر و نهادهایی مشابه بسیج در برخی از کشورها تأسیس شد. حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله و حشد الشعبی، نهادهایی هستند که با الهام گرفتن از سازمان بسیج ایران تأسیس شدند. این نهادها از یک سو به دلیل ماهیت مردمی‌شان و از سوی دیگر به دلیل آنکه مرجع و موضوع امنیت را براساس منافع و مصالح مردم و نه براساس منافع اشخاص، احزاب، جریان‌ها، دولت‌ها و بازیگران خارجی تعیین کرده‌اند، توانسته‌اند ضمن مردمی کردن امنیت، به طور مؤثری با تهدیدات مقابله و به شیوه کارآمدی امنیت تولید کنند.



این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و روش توصیفی-تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها به دنبال بررسی نقش نیروهای مقاومت در مردمی کردن امنیت است و در این راستا، حشد الشعبی (بسیج مردمی عراق) را به‌عنوان مورد مطالعه خود برگزیده است. در این مقاله ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه شناسایی و در ادامه وضعیت حشد الشعبی با این ابعاد و مؤلفه‌ها انطباق داده خواهد شد.

### مبانی نظری: امنیت مردم‌پایه

امنیت<sup>۱</sup> از مفاهیم و اهداف عمده در شریعت و نظام اسلامی محسوب می‌شود. در اسلام، مبنا و غایت امنیت، توحیدی است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). مفهوم امنیت در سیر تطور و توسعه خود به‌عنوان موضوع مورد بررسی حوزه‌های بیشتری از علوم مدنظر قرار گرفته و هریک از علوم مختلف، بسته به موضوع خود، بعدی از ابعاد را کانون توجه خود قرار داده و به آن پرداخته‌اند. امنیت برحسب موضوع می‌تواند به اقسام مختلف چون امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و... تقسیم شود.

مکتب کپنهاک، امنیت را برحسب مرجع و نوع تهدیدات وجودی به امنیت فردی، ملی و بین‌المللی تقسیم کرده است (European politics, 2002: 67 – 72). همچنین، مفهوم امنیت به لحاظ شناسایی مصادیق خود، در طول زمان دچار تحول شده است. این تحول مفهومی عمدتاً به دلیل ابهام ذاتی موجود در واژه امنیت به وجود آمده است، درحالی‌که در سال‌های پیش از ۱۹۹۰، واژه امنیت با مفهوم «امنیت ملی» پیوند خورده بود. بعد از آن، به مفهوم «امنیت مشترک» توجه و تأکید بیشتری شده است. همچنین، مفهوم «امنیت انسانی» نیز به‌عنوان بدیلی برای «امنیت مادی» یا «امنیت سخت‌افزاری» مطرح شد (مک‌سویینی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷).

در تعریف امنیت باید به عوامل عینی و ذهنی به صورت توأمان توجه کرد. «فقدان تهدید یا به حداقل رساندن آن» در چهارچوب عامل عینی و «ایجاد احساس ظهور این عامل عینی در جامعه» به‌عنوان عامل ذهنی در نظر گرفته می‌شود. عامل ذهنی نقش مهمی در تحقق امنیت دارد؛ زیرا توهم و تصور ناامنی، ناامن‌ترین شرایط را برای انسان در پی خواهد داشت و این‌گونه، حتی در صورت نبود هر تهدیدی، امنیت محقق نخواهد شد (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۸۳۶).



از امنیت، دو نوع تعریف ایجابی و سلبی ارائه می‌شود. براساس تعریفی ساده از امنیت که از گفتمان سلبی حاصل می‌شود، امنیت عبارت است از: «وضعیتی که منافع حیاتی یک کنشگر یا بازیگر از سوی کنشگران یا بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، کنشگر یا بازیگر از توانایی لازم برای دفع تهدید یا مدیریت آن برخوردار باشد» (آر. دی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در تعریف ایجابی از امنیت، کنشگران یا کارگزاران با شناسایی دقیق و عمیق محیط داخلی و خارجی، راهبردهایی را برای تولید امنیت و پیشگیری از بروز تهدید اتخاذ می‌کنند (حبیب‌زاده ملکی، ۱۳۸۳: ۴۵). حدود و ثغور پارادایم‌های امنیتی بر اساس پاسخی که به چهار پرسش اصلی می‌دهند، مشخص می‌شود:

۱. مرجع امنیت (امنیت چه کسی یا چه چیزی؟)؛

۲. موضوع امنیت (سخت، نیمه‌سخت یا نرم)؛

۳. روش ایجاد امنیت (سلبی، ایجابی، ترکیبی)؛

۴. کارگزار ایجاد امنیت (بازیگران دولتی، غیردولتی یا بین‌المللی).

درحالی‌که در بسیاری از کشورها، دولت اصلی‌ترین عامل تولید امنیت است یا اینکه در برخی کشورها، بازیگران فراملی، اعم از دولتی یا غیردولتی، متکفل ایجاد امنیت هستند، در پارادایم امنیت مردم‌پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران ایجاد امنیت تبدیل می‌شوند و امنیت در پایین‌ترین سطوح و عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی تولید می‌شود.

بنابراین، براساس کارگزار تأمین امنیت، دوگانه دیگری در مطالعات امنیتی شناسایی می‌شود؛ امنیت رژیم‌پایه و امنیت مردم‌پایه. بین این دو مفهوم، تمایز اساسی وجود دارد. درحالی‌که در امنیت رژیم‌پایه، کارگزار تأمین امنیت، بازیگران دولتی و بین‌المللی هستند، در امنیت مردم‌پایه، مردم و گروه‌های اجتماعی متولیان تأمین امنیت به شمار می‌روند. امنیت مردم‌پایه نمونه‌ای از رویکرد نرم‌افزاری در حوزه تأمین امنیت است که بر اصول اساسی بسیج مردم و مشارکت فعال آن‌ها تأکید دارد (احمدی مقدم، ۱۳۹۵: ۵). در رویکرد امنیت مردم‌پایه، مردم، محور امنیت محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که مردم هم بهره‌بردار (مرجع) امنیت هستند و هم کارگزار تأمین امنیت. امنیت مردم‌پایه ارتباط وثیقی با سرمایه اجتماعی و هویت دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.



## الف) سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی، ارزش‌های فرهنگی و مذهبی از قبیل دلسوزی، نوع‌دوستی، انصاف، صداقت، اعتماد، همکاری مبتنی بر معیارهای مشترک، تعاون و بردباری یا اطلاعات، ایده‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های تجاری، حمایت عاطفی و همکاری که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد، در نظر گرفت. سرمایه اجتماعی می‌تواند یک هنجار غیررسمی یا حتی یک نوع تفکر باشد. به عقیده پاتنام<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی «وجه‌گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸). وی شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند.

سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه شده و در نهایت منافع متقابل را تأمین می‌کند و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود. بن‌فاین<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی را انسجام درونی فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی می‌داند که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند (فاین، ۱۳۸۵: ۵۴). فوکویاما هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی را حاصل تکرار همکاری میان مردم می‌داند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۷۰). از نظر او «این سرمایه موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می‌شود» (کاووسی و طلوعی، ۱۳۸۶: ۱۵). پیر بوردیو، شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. از نظر او، سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل را تأمین کرده و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود. با عنایت به این تعاریف، چهار مؤلفه اعتماد، مشارکت، هنجارها و ارزش‌ها و شبکه ارتباطات انسانی، عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. در مورد سرمایه اجتماعی دو قضیه اصلی وجود دارد:

۱. هراندازه که سرمایه اجتماعی در گروه افزایش یابد، هزینه تعامل و همکاری کمتر و در نتیجه، عملکرد بهتر و دستیابی به اهداف بیشتر خواهد شد؛

1. Putnam  
2. Ben Fine

۲. هراندازه که سرمایه اجتماعی در گروه کاهش یابد، هزینه تعامل و همکاری بیشتر و در نتیجه، عملکرد ضعیف تر و دستیابی به اهداف کمتر خواهد شد.

با جمع بندی نظرات ابراز شده می توان گفت سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و ارزش ها تشکیل می دهند که همکاری درون گروه ها و بین گروه ها را در راستای کسب منافع متقابل تسهیل می کند و این نوع از سرمایه با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می شود (Putnam, 2000: 18).

تحقیقات پاتنام در کشور ایتالیا مؤید آن است که سرمایه اجتماعی توانسته از بروز بسیاری از بحران ها جلوگیری نموده یا در صورت وقوع، به مهار و مدیریت آن ها در کمترین زمان ممکن و با حداقل هزینه کمک کند. از این منظر، سرمایه اجتماعی، آن دسته از ویژگی های یک جامعه یا گروه اجتماعی را شامل می شود که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه را برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی افزایش می دهد و نقش سیاسی-امنیتی آن در جلوگیری از بروز بحران در جامعه تبلور می یابد (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۰).

ثبات سیاسی با میزان سرمایه اجتماعی نظام سیاسی رابطه مستقیم دارد؛ به همین دلیل، بن فاین از ضرورت توجه به ابعاد و سپهر اجتماعی سرمایه اجتماعی سخن می گوید و مدعی می شود که بدون درک و سنجش سرمایه اجتماعی نمی توان به الگوی مناسبی برای اداره جامعه دست یافت (فاین، ۱۳۸۵). ضعف سرمایه اجتماعی به کاهش میزان نفوذ اقدامات دولت در مدیریت بحران منتهی می شود؛ به عبارت دیگر، میزان اعتبار سرمایه اجتماعی با میزان کارآمدی نظام سیاسی رابطه مستقیمی دارد.

سرمایه اجتماعی، نقش به سزایی در نهادینه سازی رضایتمندی و تقویت ثبات سیاسی در جامعه دارد؛ یعنی سرمایه اجتماعی می تواند بر افزایش یا کاهش انتظارات شهروندان و درک صحیح آن ها از توانایی های دولتمردان در پاسخگویی به این انتظارات مؤثر باشد، به گونه ای که چه بسا توانمندی های دولت اندک باشد؛ اما به دلیل اعتماد مردم، کارآمدی دولت افزایش یابد یا مردم با اعتماد به وعده های دولتمردان، به نفع ثبات اجتماعی، تأمین خواسته های خود را به آینده واگذارند. در هر صورت، سرمایه اجتماعی می تواند، ثبات را حفظ و تقویت کند.



## ب) هویت اجتماعی

مفهوم «هویت»<sup>۱</sup> به مجموعه پدیده‌هایی اشاره می‌کند که در ایجاد تصویر از خویشتن در ذهن فرد مؤثر است. هویت، پیش‌نیاز زیست اجتماعی انسان محسوب می‌شود و چهارچوب‌هایی برای شباهت‌ها و تفاوت‌ها به وجود می‌آورد. دوام و بقا جامعه، مستلزم کنش ارتباطی‌ای است که به معناسازی و هویت‌سازی منجر می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۴: ۲۲). هویت هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین، می‌توان از هویت فردی و هویت جمعی سخن گفت. دو مفهوم «تمایز»<sup>۲</sup> و «دیگری»<sup>۳</sup> یا «غیریت» شالوده و بنیان مفهوم هویت را شکل می‌دهند (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

هویت به دو گونه فردی و جمعی نمود پیدا می‌کند. هویت‌های ملی، قومی و مذهبی از سنخ هویت جمعی هستند. هویت قومی بر مبنای وجود آگاهی از عضویت در قوم خاص و ارجاع به ریشه مشترک (نیای مشترک)، ویژگی‌های شخصیتی و فیزیکی مشترک، آداب و رسوم مشترک و... شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه هویت ملی، هویتی است که کلیت یک جامعه را دربرمی‌گیرد، هویت‌های قومی و مذهبی می‌توانند زیرمجموعه هویت ملی قرار گیرند. هویت ملی با ایجاد احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نهادهای فرهنگی شامل ارزش‌ها، هنجارها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک یک ملت که از سوی دولت حمایت می‌شوند، باعث ایجاد تمایز بین جوامع می‌شود (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

هویت پدیده‌ای چندسطحی و چندلایه است. عده‌ای آن را در سه سطح فردی، گروهی (قوم و قبیله و گروه) و ملی (تعلق فرد به یک کشور یا ملت) در نظر می‌گیرند. عده‌ای دیگر سطوح هویت را محلی (تعلق به یک فرهنگ خاص)، ملی و جهانی مشخص می‌کنند (دغاغله، ۱۳۸۶: ۵۱). درحالی‌که منبع اصلی هویت در سطح نخبگان سیاسی حاکم، ایدئولوژی نظام سیاسی است، در سطح جامعه منابع متعددی مانند قومیت، مذهب، جنسیت، طبقه، تاریخ، جغرافیا و... می‌توانند منبع تعریف هویت باشند. تعدد منابع هویتی الزاماً به معنای تعارض آن‌ها با یکدیگر نیست. یک «مرد کارگر سنی کرد ایرانی» هم‌زمان به پنج منبع هویتی تعلق دارد. در شرایط عادی تعلق افراد به هویت‌های مختلف، امری طبیعی و عادی است؛

1. Identity
2. Difference
3. Otherness

ولی در زمان بروز بحران، اولویت بخشی به یک منبع هویتی به مسئله اصلی تبدیل می شود؛ ایرانی بودن یا کرد بودن، سنی بودن یا شیعه بودن، مرد بودن یا زن بودن، کارگر بودن یا کارفرما بودن. در شرایط بحرانی، نخبگان حاکم ترجیح می دهند منبع هویتی مورد نظر آن ها بر سایر منابع هویتی غلبه پیدا کند؛ ولی در مقابل، فعالان قومی و مذهبی بر منابع هویتی دیگری پافشاری می کنند.

در جامعه شناسی نسبت به فرایند هویت یابی دو پارادایم اساسی وجود دارد:

۱. **ازل گرایی یا منشأ گرایی:** این پارادایم هویت را امری ثابت در نظر می گیرد که از طریق جامعه و ساختارهای آن به فرد منتسب می شود و تقریباً تا پایان عمر تغییرناپذیر باقی می ماند. براساس این پارادایم، هویت ها منشأ طبیعی دارند و اساساً با احساسات و عواطف سر و کار دارند. عواملی مانند ویژگی های جسمانی (رنگ پوست، قد، نوع موی سر و...)، نام فرد یا گروه، مذهب، تاریخ و منشأ گروهی که فرد در آن به دنیا می آید، هویت جمعی را تعیین می کند.

۲. **برساخت گرایی:** در مقابل پارادایم منشأ گرایی، پارادایم برساخت گرایی قرار دارد. این پارادایم، هویت را امری سیال و متغیر در نظر می گیرد که به طور مداوم در معرض تغییر قرار دارد. در پارادایم برساخت گرایی، هویت، امری تاریخی و محتمل است و همانند بسیاری از پدیده های دیگر، محصول زمان است. تاریخی بودن هویت و تغییر تعریف فرد از خویشتن، بر تغییر پذیر بودن هویت دلالت دارد (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۳). آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> و پیترا ل برگر<sup>۲</sup> از نظریه پردازانی هستند که معتقدند هویت افراد در طول زندگی شان در ارتباط با شرایط و محیط اجتماعی شان دچار تغییر و دگرگونی می شود. مانوئل کاستلز<sup>۳</sup> معتقد است برساخت هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می گیرد و براین اساس، سه شکل و منشأ برای برساخت هویت قائل است:

الف- هویت مشروعیت بخش: این نوع هویت توسط نهادهای مسلط بر جامعه ایجاد می شود تا سلطه آن ها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد. این رویکرد با نظریه های رایج مربوط به ملی گرایی هم خوانی دارد.

ب- هویت مقاومت: این هویت از طریق کنشگرانی که توسط منطق سلطه یا نظام حاکم کنار گذاشته شده اند یا بی ارزش تلقی شده اند و داغ ننگ بر پیشانی آن ها زده شده است،

1. Anthony Giddens  
2. Peter L. Berger  
3. Manuel Castells



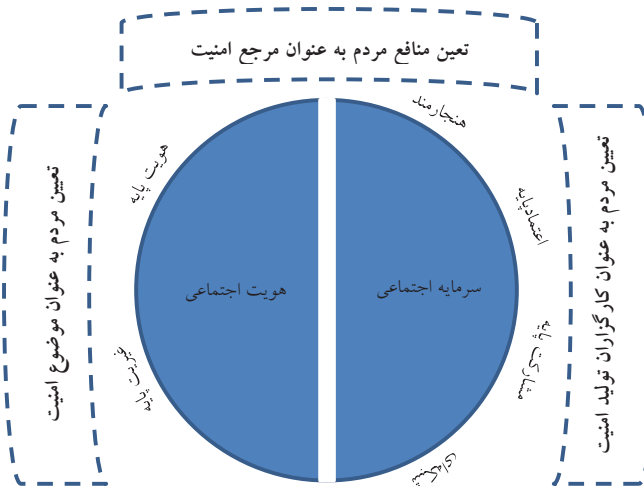


اتخاذ می‌شود. براین اساس، گروه‌های اجتماعی محروم و اقلیت‌ها، سنگرهایی برای مقاومت و بقاء هویتی بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد خویش می‌سازند.

۳. هویت برنامه‌دار: هویت برنامه‌دار زمانی محقق می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هرگونه موارد و مصالح فرهنگی در دسترس، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند. کنشگران از طریق برساخت هویت به صورت برنامه‌دار، در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۴).

### ج) ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه

هویت مردم‌پایه دارای دو بعد سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی است. براساس این دو بعد، امنیت مردم‌پایه، امنیتی هنجارمند، شبکه‌ای، مشارکت‌پایه، اعتمادپایه، هویت‌پایه و غیریت‌پایه است. امنیت مردم‌پایه حول مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها شکل می‌گیرد. این ارزش‌ها و هنجارها حدود و ثغور مرجع، موضوع و غایت امنیت را مشخص می‌کنند و اعضای جامعه طی فرایند جامعه‌پذیری امنیتی، ضمن درونی کردن این ارزش‌ها و هنجارها، حول تحقق این ارزش‌ها و هنجارها هم‌نظر و هم‌کنش می‌شوند. امنیت مردم‌پایه، امنیتی شبکه‌ای است؛ یعنی برآیند و حاصل جمع کنش متقابل اعضای جامعه و فعالیت مجموعه اعضای شبکه امنیتی است. امنیت مردم‌پایه از طریق گسترده‌ترین شبکه امنیتی؛ یعنی جامعه، تهدید را با مؤثرترین شکل ممکن دفع و امنیت را در عالی‌ترین سطح محقق می‌کند.



نمودار ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه



امنیت مردم‌پایه بر پایه دو مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی شکل می‌گیرد. امنیت مردم‌پایه نیازمند مشارکت مستقیم، مثبت و فعال مردم است. کاهش مشارکت اجتماعی عملاً تحقق امنیت مردم‌پایه را دور از دسترس قرار می‌دهد. از سوی دیگر، امنیت مردم‌پایه به حد مقبولی از اعتماد اجتماعی (اعتماد به غریبه‌ها) و اعتماد نهادی (اعتماد به نهادها و مؤسسات حکومتی) نیاز دارد. بی‌اعتمادی اجتماعی و بی‌اعتمادی مردم به حکومت، علاوه بر اینکه دستیابی به توافق عمومی در مورد ارزش‌ها و هنجارها را غیرممکن می‌کند، مانع از ایجاد شبکه‌ای از تعامل و همکاری برای مبارزه با تهدید و تحقق امنیت می‌شود.

هویت اجتماعی، بعد دیگری از امنیت مردم‌پایه است. در امنیت مردم‌پایه، هویت ویژه‌ای حول ارزش‌ها و هنجارهای به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده و در میان باورمندان به این ارزش‌ها و هنجارها بر ساخته می‌شود؛ به این ترتیب، مرزهای گروه خودی شکل می‌گیرد. علاوه بر این، از طریق غیریت‌سازی، ضمن عینیت یافتن گروه غیر خودی، مرزهای بین خودی و غیر خودی برجسته می‌شود و به این ترتیب، تهدید در چهارچوب این مرزها شناسایی و دفع می‌شود.

جدول ۱: ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه

توضیح	مؤلفه‌ها	ابعاد	امنیت مردم‌پایه
براساس نظام ویژه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها که مرجع و موضوع و غایت امنیت را تعیین می‌کند، شکل می‌گیرد.	هنجارمند	سرمایه اجتماعی	
مستلزم وجود شبکه‌ای از روابط اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی است.	شبکه‌ای		
به مشارکت جمعیت زیادی از مردم نیازمند است.	مشارکت پایه		
به حد مقبولی از اعتماد اجتماعی (اعتماد به غریبه‌ها) و اعتماد نهادی (اعتماد به نهادها) نیاز دارد.	اعتماد پایه		
از طریق هویت‌یابی امنیتی و شکل‌گیری گروه خودی تعیین پیدا می‌کند.	هویت پایه	هویت اجتماعی	
از طریق غیریت‌سازی امنیتی و مرزبندی با غیر خودی‌ها استحکام می‌یابد	غیریت پایه		



## روش تحقیق

در این پژوهش، منطق تحقیق حاکم بر رهیافت فلسفی واقع‌گرایی علمی، مبنای پاسخ به سوال تحقیق است. اصل حاکم بر رهیافت واقع‌گرایی علمی این است که پدیده‌ها به طور اجتماعی توسط کنشگران اجتماعی برساخته می‌شوند. همچنین، پدیده‌ها محصول ساختارهای اجتماعی غیرقابل مشاهده در نظر گرفته می‌شوند. براین اساس، هدف علم واقع‌گرا، تبیین پدیده‌های قابل مشاهده با ارجاع به ساختارها و مکانیسم‌های زیربنایی (قوانین) است. معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه بر ساختن مدل‌هایی از مکانیسم‌های مذکور استوار است که اگر این مکانیسم‌ها موجود باشند و به طریق مورد انتظار عمل کنند، پدیده‌ها براساس این مکانیسم‌ها تفسیر می‌شوند (بلیکی، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۴۶).

در تحقیقات علمی، جمع‌آوری اطلاعات یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهش است و باید اطلاعات مورد نیاز که دارای اتکای عقلانی، اسنادی، میدانی و صوری هستند را از طریق ابزارها و تکنیک‌های سودمندی گردآوری کرد (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). مشاهده مستقیم، مصاحبه و استفاده از اسناد و مدارک (دیداری، گفتاری و نوشتاری) از ابزارهای گردآوری داده‌های کیفی هستند (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۹: ۲۹۸-۲۹۷).

در این پژوهش برای پاسخ به سوال تحقیق از روش اکتشافی، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. با توجه به ماهیت داده‌ها و ابزار گردآوری آن‌ها، این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد.

## ظهور و صعود حشد الشعبی

داعش در واپسین ساعات شب ۹ ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰ خرداد ۱۳۹۳) از مرکز تجمع و استقرار خود در سوریه به عراق حمله کرد و با تصرف برق‌آسای سه استان سنی‌نشین و نفوذ به سایر استان‌ها، امنیت پایتخت، مراکز حساس و حیاتی و اماکن مذهبی عراق را با تهدید جدی مواجه کرد. در پی تهاجم داعش، مرجعیت عراق در اقدامی به موقع، فرمان جهاد کفایی صادر کردند و از نیروهای مردمی خواستند برای کمک به نیروهای نظامی و امنیتی در دفع تهدید داعش، بسیج شوند.

شیخ عبدالمهدی کربلایی، نماینده آیت الله سیستانی، مرجع عالی قدر شیعیان عراق در خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ تیر ۱۳۹۳ در مرقد مطهر امام حسین علیه السلام در شهر کربلای معلی گفت: «هرکسی که می‌تواند سلاح به دست گیرد و توان مقابله با تروریست‌ها را دارد، برای مقابله با تروریست‌ها داوطلب شود؛ زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است. مرجعیت شیعه از تلاش‌های نیروهای مسلح عراق در مقابله با گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و این گروه‌ها را به شجاعت و صبر و پایداری دعوت می‌کند؛ زیرا دفاع از عراق وظیفه ملی است و همه باید برای دفاع از عراق وارد عمل شوند. عراق با اوضاع بسیار خطرناکی روبه‌رو شده است. باید هوشیار باشیم که دفاع از عراق، مسئولیت ملی و دینی خطیری است؛ زیرا کشور و ملت عراق با چالش و خطری بزرگ روبه‌رو شده‌اند و هدف حمله تروریست‌ها قرار گرفته‌اند و در نتیجه، همه اقشار و طایفه‌های ملت عراق در معرض این حمله قرار دارند و همگی باید با صبر و استقامت و شجاعانه سلاح در دست گیرند و با تروریست‌ها مقابله نمایند» (فارس، ۱۳۹۸).

دو روز بعد از فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی عراق و درحالی‌که داوطلبان زیادی برای عضویت در حشد الشعبی به محل‌های ثبت نام مراجعه کرده بودند، فالح فیاض، مشاور امنیت ملی عراق از تشکیل ساختاری با عنوان «مدیریت حشد الشعبی»<sup>۱</sup> به دستور نوری مالکی خبر داد که وظیفه آن سازماندهی تعداد انبوه نیروهای داوطلب جهاد بود (وکاله المدی، ۲۰۱۴). روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ حیدر اسدی، سخنگوی حشد الشعبی اعلام کرد به دستور نخست‌وزیر حیدر العبادی، هیئت مستقلی به نام حشد الشعبی تشکیل شده است (الجزیره، ۲۰۱۴).

گروه‌های مختلف مقاومتی که برای مبارزه با داعش ذیل ساختار حشد الشعبی سازماندهی شدند، توانستند با اتکا به عوامل اعتقادی و انگیزشی، نقش مؤثری را در شکست پروژه داعش ایفا کنند. بسیج مردمی عراق (حشد الشعبی) که کارسازترین و مؤثرترین نیروی مقابله با پدیده شوم داعش بود، در حال حاضر، به یک نیروی نظامی، امنیتی و اطلاعاتی کارآمد در عراق تبدیل شده است و به تدریج در حال ورود به عرصه سازندگی در این کشور است. حشد الشعبی را می‌توان یک نیروی نظامی مردمی و عقیدتی در عراق دانست که در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور، به‌ویژه در جنگ با داعش و ثبات‌سازی پس از آن است.



اگرچه ساختار و تشکیلات کنونی حشد الشعبی، مرهون فتوای مرجعیت است؛ ولی پیش از این، نیروهای مردمی در قالب تشکل‌هایی مانند سازمان بدر در راستای تأمین امنیت فعالیت می‌کردند؛ بنابراین، ظهور داعش نقطه آغاز شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در عراق به شمار نمی‌رود. تکوین حشد الشعبی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت عراق و یکی از ارکان نیروهای مسلح این کشور در سه مرحله صورت گرفته است.

۱. ورود گروه‌های عراقی به سوریه با هدف دفاع از حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها از ژانویه ۲۰۱۳؛

۲. فتوای مرجعیت عالی عراق برای جهاد و تشکیل حشد الشعبی از ژوئن ۲۰۱۴؛

۳. استقرار و قانونمند شدن حشد الشعبی در عراق از ۲۰۱۶.

پس از سقوط موصل در ژوئن ۲۰۱۴، صدها نیروی عراقی که نقش کلیدی در مهار بحران سوریه، به‌خصوص تأمین امنیت دمشق ایفا می‌کردند، برای مهار بحران داعش و دفع خطر از بغداد و اماکن مقدسه، به کشور خود بازگشتند (Bell, 2014). براساس گزارش‌ها تا ۱۷ ژوئن ۲۰۱۴، حدود هزار نیروی عراقی برای نبرد علیه داعش از سوریه به عراق بازگشتند (Abi-Habib, 2014). این افراد اغلب از رزمندگان تیپ ابالفصل العباس علیه‌السلام و شاخه‌های آن بودند (abna, 2014). در ۵ آذر ۱۳۹۵، قانون حشد الشعبی در پارلمان عراق به تصویب رسید و گام مهمی برای قانونی شدن این تشکیلات مردمی برداشته شد. متن قانون حشد الشعبی به این شرح است:

«این قانون که طبق بند نخست ماده ۶۱ و بند سوم ماده ۷۳ قانون اساسی عراق تصویب شده، از ۱۱ ماده تشکیل می‌شود که به شرح ذیل است:

ماده اول: طبق قانون مذکور، گروه‌ها و تشکیلات حشد الشعبی، مجموعه‌های قانونی هستند که ضمن برخورداری از حقوق خود، به‌عنوان نیروی پشتیبان نیروهای امنیتی عراق به وظایف خود متعهد هستند و تا زمانی که تهدیدی برای امنیت ملی عراق محسوب نشوند، حق حفظ هویت و ویژگی‌های خود را دارند.

ماده دوم: عناوین و نام‌ها برای تشکیلاتی که تحت عنوان گروه‌ها و تشکیلات حشد الشعبی مورد اشاره در ماده یک مشخص می‌شود و از سوی کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان از طریق هماهنگی با دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق در سایه تدابیری که مستلزم آن است، تصویب می‌شود.

ماده سوم: در صورت وجود تهدیدهای امنیتی که مستلزم دخالت میدانی حشد الشعبی برای دفع و مهار آن باشد، گروه‌ها و تشکیلات وابسته به حشد الشعبی، مأموریت‌ها و فعالیت‌های نظامی و امنیتی خود را به درخواست و دستور فرمانده کل نیروهای مسلح عراق و از طریق هماهنگی با وی، انجام خواهند داد.

ماده چهارم: طبق این قانون، گروه‌ها و تشکیلات حشد الشعبی حق دارند از نیروی لازم و انجام آنچه برای بازداشتن و دفع تهدیدهای امنیتی و تروریستی از عراق و همچنین آزادی شهرها از چنگال گروه‌های تروریستی و حفظ امنیت و نابودی این گروه‌ها و همدستان آن‌ها لازم است، استفاده کنند.

ماده پنجم: در صورتی که تهدیدهای امنیتی عراق را هدف قرار دهند یا نیازهایی که مستلزم باقی ماندن نیروهای حشد الشعبی در حالت آماده‌باش کامل برای دفع این تهدیدها باشد، دولت و پارلمان عراق ملزم هستند وسایل و نیازهای نظامی گروه‌های تشکیل‌دهنده حشد الشعبی و دیگر مستلزمات آن‌ها برای انجام فعالیت‌های امنیتی و نظامی را تأمین کنند. ماده ششم: افراد و وابستگان تشکیلات و گروه‌های تشکیل‌دهنده حشد الشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان آن‌ها از همان حقوق و مزایای بازنشستگی و امتیازهایی مشابه کارمندان وزارت دفاع و کشور عراق برخوردار می‌شوند.

ماده هفتم: در صورت استخدام نیروهای حشد الشعبی در شغل دیگری در چهارچوب رسمی دولت، دوره حضور جهادی که نیروهای حشد الشعبی در مقابله با تهدیدهای تروریستی طی می‌کنند نیز برای اهداف خدمات شغلی، ارتقا و بازنشستگی محاسبه می‌شود. ماده هشتم: دفتر فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزارت بهداشت، براساس اختیارات خود ملزم به حفظ پرونده‌های مرکزی در بغداد هستند تا بدین صورت وقایع و رویدادهای مربوط به خدمت جهادی گروه‌ها و تشکیلات حشد الشعبی و شهدا، مجروحان و مفقودان مناطق عملیات امنیتی در استان‌ها اثبات شود.

ماده نهم: پرونده‌های مرکزی مورد اشاره در ماده هفتم، مرجعیت قانونی اداری برای محدودیت‌های مطلوب در انجام قراردادهای مربوط به تثبیت و تصویب حقوق نیروها و شهدا، مجروحان و مفقودان گروه‌های تشکیل‌دهنده حشد الشعبی و تمام آنچه با اثبات صحت صدور اسناد مربوطه ارتباط دارد، به شمار می‌رود.



مادهٔ دهم: شورای وزیران (دولت) دستورات لازم برای تسهیل مفاد این قانون را صادر می‌کند.

مادهٔ یازدهم: این قانون در روزنامهٔ رسمی منتشر و از تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ اجرایی محسوب می‌شود.

**دلایل تصویب:** این قانون با هدف تأمین حمایت قانونی از گروه‌ها و تشکیلات حشد الشعبی که پوشش و مجوز قانونی برای دخالت نظامی آن‌ها و مشروعیت بخشی به اقدامات آن‌ها در جریان درگیری با دشمن در مناطق جنگی را فراهم می‌کند و برای ساماندهی اقدامات و قرار گرفتن این نیروها تحت نظارت دولت قانون و برای اینکه در آینده نزدیک یا دور به بهانه‌های مختلف اجازهٔ حمله به آن‌ها داده نشود و نیز برای ساماندهی اوضاع مالی و حقوقی آن‌ها، به تصویب رسید» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵).

### انطباق‌پذیری حشد الشعبی با ابعاد و مؤلفه‌های امنیت مردم‌پایه

#### ۱. هنجارمندی

حشد الشعبی سازمانی است که براساس فتوای مرجعیت عالی عراق و با هدف مبارزه با دشمن تکفیری شکل گرفت. در جلسه‌ای که در مارس ۲۰۱۵ در بغداد برگزار شد، فرماندهان حشد الشعبی اهداف پنجگانهٔ این ساختار جدید نظامی را به این شرح اعلام کردند:

- نبرد با داعش و بیرون راندن آن از خاک عراق؛

- حفاظت از کشور؛

- حفاظت از اماکن مقدس و از جمله مساجد؛

- آزادی مردم عراق؛

- کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند (Duman, 2015).

براین اساس، «مرجع امنیت» یا اشخاص، گروه‌ها، پدیده‌ها و اماکنی که حشد الشعبی با هدف تأمین امنیت آن‌ها شکل گرفت، عبارتند از: اماکن مقدسه، مردم، تمامیت ارضی و حاکمیت عراق. «موضوع امنیت» نیز به دلیل ماهیت تهدید (داعش) عمدتاً از نوع سخت تعریف شد. آیت‌الله سیستانی، مرجع عالی شیعیان عراق، نقش مهمی در هنجارسازی امنیتی داشتند و جایگاه برجستهٔ ایشان در بین اقبشار و طوایف مختلف عراقی باعث شد هنجارسازی امنیتی

در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد. نقش آیت‌الله سیستانی در هنجارسازی امنیتی فقط به بدو تأسیس حشد الشعبی باز نمی‌گردد و ایشان در ادامه نیز از حشد الشعبی به انحاء مختلف حمایت کردند و سیر حرکت و سیورت آن را تعیین کردند؛ به‌عنوان مثال، آیت‌الله سیستانی در خصوص شهدای حشد الشعبی اعلام کردند: «شهدای دفاع کفایی حق بزرگی بر گردن همه ما دارند و جایگاه آنان والا و غبطه‌برانگیز است. از خداوند متعال مسئلت دارم که آن‌ها را با یاران امام حسین علیه‌السلام محشور کند» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 اِنَّ شَهِدَاءَ الدِّعْوَةِ الْكُفْرَانِ حَقًّا عَظِیْمًا جَمِیْعًا  
 وَ مَنَزَلَتُهُ رَنْبِیَّةٌ یَنْبِطُونَ عَلَیْهَا اَسْأَلُ اللّٰهَ تَعَالٰی  
 اَنْ یَّحْشِرَ مَعِ الصَّادِقِ الْحَسَنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ  
 محمد حبیب  
 ۱۴۳۹/۵/۱۵

هنجارسازی آیت‌الله سیستانی در طول سال‌های گذشته کم و بیش ادامه داشته است. ایشان در خرداد ۱۳۹۵؛ دو سال پس از صدور فتوای تاریخی جهاد کفایی علیه داعش، در دیدار جمعی از دانشگاهیان عراق گفتند: «هنگامی که داعش به عراق هجوم آورد و به قتل و غارت و فساد پرداخت، من فتوای وجوب دفاع کفایی از جان مردم و مقدسات ضد بیگانگان دادم و این فتوا ضد برادران اهل سنت ما نبود.» ایشان در این دیدار تأکید کردند: «هنگامی که شما در الرمادی و سایر شهرها جهاد می‌کنید، همانا از برادرانتان دفاع می‌کنید تا آن‌ها را از داعش نجات دهید و در این شرایط شما فاتح نیستید، بلکه جان و خون خود را فدا می‌کنید تا برادرانتان را در برابر خارجی‌ها یاری کنید.»

ایشان با بیان اینکه «در طول ده سال گذشته آیا کلمه‌ای از ما مبنی بر توهین به اهل سنت شنیدید؟» یادآور شدند: «هنگامی که فتنه و انفجارها و کشتار در اماکنی که شیعیان بودند،





رخ داد و حتی بعد از انفجار حرم امامین عسگرین علیهما السلام از من استفتا کردند. من گفتم با اهل سنت ن جنگید، حتی اگر تمام شهرهای شیعه را نابود کردند. اخلاق ائمه و پیشوایان خود را به یاد داشته باشید که چگونه با کسانی که به آن‌ها اهانت می‌کردند، برخورد می‌کردند و چگونه بدی را با خوبی پاسخ می‌دادند!» (روزنامه ایران، ۱۳۹۵).

آیت‌الله سیستانی در بهمن ماه ۱۳۹۳ نیز در فرمانی ۲۰ ماده‌ای از رزمندگان عراقی خواستند برای تحقق جهاد واقعی در نبرد با داعش از حدود دستورات دین تجاوز نکنند. ایشان در بخشی از این فرمان تأکید کردند: «جنگ با مسلمانان سرکش و یاغی نیز آدابی دارد که از امام علی علیه السلام برای چنین روزهایی به دست ما رسیده است» (مشرق، ۱۳۹۳).

## ۲. شبکه‌ای

حشد الشعبی به دلیل جذب نیرو از لایه‌های متنوع اجتماعی از سراسر عراق، یک ساختار شبکه‌ای محسوب می‌شود. تنوع نیروهای حشد الشعبی به لحاظ جغرافیایی، قبیله‌ای، عشیره‌ای و صنفی، این امکان را فراهم کرده است که این نهاد بتواند با لایه‌های مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند. نفوذ شبکه‌ای حشد الشعبی، ظرفیت‌های آن را در مقابله با تهدید و تولید امنیت بالا برده است. ساختار شبکه‌ای حشد الشعبی از ساختار بسیج ایران الگوبرداری شده است. عقیل حسینی، یکی از مسئولان حشد الشعبی، این نهاد را ادامه بسیج ایران توصیف و اذعان کرد که بسیج عراق با استفاده از تجربه بسیج ایران تشکیل شده است. نوری مالکی نیز در مرداد ۱۳۹۴ در مصاحبه با خبرگزاری ابنا تصریح کرد: «ما در ساختار بسیج عراق، از بسیج ایران الگو گرفتیم» (تابناک، ۱۳۹۸).

## ۳. مشارکت پایه

فتوای مرجعیت با استقبال گسترده‌ای از سوی مردم عراق از اقشار و طوایف مختلف مواجه شد و با استقبال و مشارکت گسترده مردم، این تشکیلات دفاعی-امنیتی شکل گرفت. علی‌رغم وجود تهدید بالفعل و رعب‌آوری مانند داعش و ریسک بالایی که عضویت در این تشکیلات به همراه داشت، این حد از مشارکت نیروهای داوطلب مردمی جالب توجه است. در حال حاضر، حدود ۴۰ گروه و جریان کوچک و بزرگ در حشد الشعبی حضور فعال و

جدی دارند. بدنه نظامی حشد الشعبی را عمدتاً شیعیان عراق تشکیل می‌دهند؛ ولی برخی عشایر سنی عراق از استان‌های صلاح‌الدین، نینوی و الانبار و نیز کردهای فیلی و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شده‌اند (الوقت، ۱۳۹۴).

معروف‌ترین قبایل سنی حامی حشد الشعبی عبارتند از: الجبوری، حمدانی، لهیب، کویش، عیساوی، حبش، العبیدی، الشمر، الخزرج، العزی، الجوریفه، البونمر، البومهد، البوشهب، ابوریشه، ابوذیاب، البوفرال، البوعیثه، البوعساف و البوفهد. حشد الشعبی در حال حاضر، ۱۲۰ هزار نیروی رسمی و فعال دارد (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۴۰).

فهرست برخی گروه‌های حشد الشعبی (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۴۰ با تلخیص و تصرف)

سازمان بدر	گردان‌های السلام	گردان بابلون
عصائب اهل حق	گردان‌های غضب	تیپ یوم‌القائم
سپاه خراسانی	گردان‌های دفاع مقدس	حزب‌الله السائرون
گردان‌های سیدالشهداء	گردان‌های روح‌الله	تیپ منتظر
گردان‌های امام علی <small>علیه‌السلام</small>	گردان‌های آزادگان عراق	تیپ یوم‌الموعود
جنبش نجیاء	گردان‌های جریان ناجی	تیپ ابوفاضل
حزب‌الله؛ مجاهدین در عراق	تیپ مبارزان عباس	سپاه وعده صادق
گردان‌های شهید الاول	تیپ علی‌اکبر	گردان‌های امام حسین <small>علیه‌السلام</small>
سپاه عاشورا	تیپ مرتضی‌الکرار	گردان‌های امام غائب
گردان‌های انصار العقیده	گردان‌های انصار الحجه	قوای شهید صدر

#### ۴. اعتماد پایه

بسیج مردمی عراق با اعتماد مردم به مرجعیت و فرماندهان جهادی با سابقه مانند شهید ابومهدی مهندس و هادی عامری شکل گرفته است. سطح اعتماد بالای مردم به عوامل هنجارساز، هویت‌ساز و غیریت‌ساز، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این نهاد ایفا کرده است. علاوه بر این، درجه بالای اعتماد نهادی حشد الشعبی (اعتماد مردم به حشد الشعبی) کارآمدی آن را در مقایسه با سایر نهادهای امنیتی و دفاعی افزایش داده است.



## ۵. هویت پایه و غیریت پایه

داعش به‌عنوان یک گروه ضدساختار و برآمده از سازمان القاعدة عراق از همان ابتدای سقوط صدام، مخالفت خود را با طرح قانون اساسی دائم، فرایند سیاسی، برگزاری هرگونه انتخابات و طرح آشتی ملی اعلام کرد؛ همچنین، پارلمان و شوراهای استانی را مردود دانست و ورود به این شوراها را حرام اعلام کرد. از نظر داعش، اعضای این شوراها مسلمانان مرتد بوده و عضویت در این شوراها فقط با تصویب و تأیید قانون اساسی کفرآمیز ممکن است. در زمینه کنش سیاسی جریان سلفی، هر اقدام سیاسی که به اشغالگری مشروعیت داده یا ایجادکننده زمینه برای تحقق اهداف یا اجرای نقشه‌های آنان باشد، مردود می‌داند. تئورسین‌های داعش هر نوع اقدام سیاسی که بدون توجه به دغدغه‌های اصلی مردم عراق، از جمله پایان اشغالگری، آزادی تمامی زندانیان از زندان‌های اشغالگران و دولت فرقه‌گرای شیعی و رفع ظلم و ستم و ایجاد عدالت مطرح شود را بی‌معنا دانسته و در زمینه قانون اساسی معتقد بودند چون قانون اساسی عراق تحت حاکمیت حکومت دست‌نشانده تصویب شده است، فاقد مشروعیت است.

جریان‌های سلفی با تکیه بر عامل مذهب و تفکر خود مبتنی بر قرار دادن شیعه در برابر سنی، دولت شیعی عراق را دولتی فرقه‌گرا می‌خواندند و روی کار آمدن این دولت فرقه‌گرا و طایفه‌ای را از تبعات اشغال عراق توسط آمریکا می‌دانستند. از نظر رهبران داعش دولت عراق به مثابه یک غده سرطانی گریبان‌گیر ملت شده است و نابودی مردم و کل موجودیت عراق را هدف قرار داده است. داعش، دولت عراق را به‌رغم حضور وزرایی از اهل سنت در آن، غیرقانونی می‌دانست و اعلام کرد اهل سنت حاضر در دولت، هیچ‌توانی برای مقابله با این افراد طایفی و فرقه‌گرا ندارد (الرواشدی، ۲۰۱۲).

حزب بعث به‌عنوان متحد داعش نیز در بیانیه خود به مناسبت تحولات عراق، کل بندهای قانون اساسی طایفی را مردود اعلام کرد؛ زیرا قانون اساسی بر مبنای تبعیض و طایفه‌گرایی شکل گرفته است. تغییر حاکمیت طایفی با بقاء قانون اساسی موجود، هرگز ممکن نخواهد بود (موقع ذیقار، ۲۰۱۴). از نظر آن‌ها انتخابات، پارلمان، مجالس استانی و هرآنچه که در سایه حضور اشغالگر رخ می‌دهد، باطل است (موقع القیاده العلیا للجهاد و التحریر، ۲۰۰۷). داعش و بازماندگان حزب بعث در مخالفت با حاکمیت دولت عراق با یکدیگر اشتراک نظر داشتند (Harris, 2014).



تخریب اماکن مقدسه مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، تکفیر سایر فرق و مذاهب اسلامی، فتوای کشتار شیعیانی که به‌زعم داعش توبه نکرده و به آیین داعشی‌ها نیپوسته‌اند، به تعیین مرزهای دقیق و ظهور شکاف عمیق بین عناصر داعش و سایر مردم عراق تبدیل شد؛ بنابراین، با رشد و گسترش تروریسم و جریان‌های تکفیری در عراق، هویت مقاومت که تا پیش از این براساس غیریت اشغالگران آمریکایی به وجود آمده بود، توسط غیریت نوظهور دیگری تقویت شد. تهدید جان، مال، ناموس، مقدسات، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت ملت عراق، تعداد زیادی از مردم این کشور را حول هویت ویژه‌ای مجتمع کرد و برای مبارزه با عامل این تهدید (غیریت) بسیج کرد.

### نتیجه‌گیری

تحقق امنیت از طریق مردم، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین راه‌های مقابله با تهدیدات و تولید امنیت است. در امنیت مردم‌پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران تولید امنیت تبدیل می‌شوند و دستگاه‌های امنیتی دولتی می‌توانند با استفاده از این ظرفیت عظیم، ضمن به حداقل رساندن تهدیدات، امنیت را در سطح مطلوبی برقرار کنند. تحقق امنیت مردم‌پایه به دو بعد سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی وابسته است. بعد سرمایه اجتماعی دارای چهار مؤلفه هنجارمندی، شبکه‌ای، اعتمادپایه و مشارکت‌پایه است. بعد هویت اجتماعی نیز دو مؤلفه هویت‌پایه و غیریت‌پایه دارد.

امنیت مردم‌پایه که در مقابل امنیت رژیم‌پایه یا دولت‌محور تعریف می‌شود، الزاماً امنیتی هنجارمند است؛ یعنی بر پایه هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد و نیازمند توافق عمومی در مورد برخی هنجارها و ارزش‌ها است. این نوع از امنیت، امنیتی شبکه‌ای است؛ به این معنی که در نتیجه کنش هماهنگ و شبکه‌مند افراد جامعه محقق می‌شود. همچنین، امنیت مردم‌پایه نیازمند حد مطلوبی از اعتماد مردم به یکدیگر و به نهادهای دولتی و مشارکت مؤثر آن‌ها در فرایندهای تولید امنیت است. در بعد هویت اجتماعی، امنیت مردم‌پایه در اثر تعیین‌یافتگی و تشخیص‌یافتگی گروه خودی و غیرخودی و هویت جمعی و فاصله‌گذاری و تمایز از غیریت‌ها تبلور پیدا می‌کند. بدون عینیت یافتن غیریت‌ها، تهدیدها از منظر فاعل امنیتی، تهدید قلمداد نخواهد شد و مرجع امنیت در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت. حشد الشعبی عراق به‌عنوان نهادی مردمی که در پی فرمان جهاد کفایی مرجعیت عالی عراق، آیت‌الله سیستانی و با هدف اولیه دفع تهدید داعش تشکیل شد، به دلیل برخورداری



از حد مقبولی از سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی، نقش مهمی در مردمی کردن امنیت در عراق داشته است. این نهاد، با اتکا به سرمایه اجتماعی قابل توجه و هویت اجتماعی انسجام یافته توانست با تهدید بالفعل داعش به عنوان اصلی ترین غیریت عینیت یافته که مراجع اصلی امنیت در عراق را با خطر جدی مواجه کرده بود، به طور مؤثری مقابله نماید. کارآمدی حشد الشعبی در تولید امنیت، زمانی قابل فهم و درک می شود که کارکرد آن با کارکرد سایر نهادهای دفاعی و امنیتی عراق مقایسه شود. اساساً اگر ساختارها و سازوکارهای امنیت دولت محور در عراق پاسخگویی نیازهای امنیتی این کشور بودند، تشکیل یک نهاد مردم پایه هنجارمند و شبکه ای، ضرورتی پیدا نمی کرد.

حشد الشعبی علاوه بر آنکه مردم را به عنوان کارگزاران دفع تهدید و تولید امنیت وارد میدان کرد، تعریف جدیدی از موضوع امنیت و مرجع امنیت ارائه کرد. برخلاف بسیاری از رژیم های امنیتی که در آن، منافع افراد، گروه ها، جریان های سیاسی، الیگارشسی حزبی یا دولتی و حتی بازیگران خارجی به عنوان مرجع امنیت تعریف می شوند، حشد الشعبی، مقدسات دینی، مردم، حاکمیت و تمامیت ارضی عراق را به عنوان مرجع امنیت و منافع ملت و کشور عراق را به عنوان موضوع امنیت معرفی کرد و در مسیر تحقق امنیتی که مردم، اصلی ترین بهره بردار آن بودند، حرکت کرد؛ از این رو، حشد الشعبی علاوه بر جریان های تروریستی تکفیری، آمریکا، رژیم صهیونیستی و نظام های مرتجع را به عنوان غیریت خود تعیین کرده است؛ زیرا این غیریت ها همگی علیه منافع ملی، حق تعیین سرنوشت ملت و حاکمیت و تمامیت ارضی عراق عمل می کنند. بدیهی است اگر حشد الشعبی بخواهد کماکان در چهارچوب مرجع امنیت و موضوع امنیت تعیین شده کنشگری کند، نباید خود را به حوزه سخت و نیمه سخت محدود نماید؛ زیرا در دوران پساداعش، مرجع امنیت و موضوع امنیت موردنظر حشد الشعبی در حوزه های نرم در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که مخالفان داخلی و خارجی حشد الشعبی برای حذف، کم اثر کردن و ناکارآمد کردن این نهاد مردمی، بر تخریب ارکان آن متمرکز شده اند. تصغیر و تحقیر نظام هنجاری و فشار بر عوامل و بازیگران هنجارساز، محدود کردن تحرک شبکه ای در سطوح مختلف، ازاله اعتماد مردم به حشد الشعبی و کاهش تمایل مردم به مشارکت در فعالیت های آن و کم رنگ کردن و در نهایت محو خطوط هویتی و غیریتی، از جمله اقدامات مخالفان در راستای حذف یا استحالته حشد الشعبی است.



## منابع فارسی و عربی

- آر. دی، مکین (۱۳۸۹). امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۵). سایه‌روشن حشد الشعبی. تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۹۵). «مدیریت جهادی و امنیت مردم‌نهاد در عرصه امنیتی». فصلنامه آفاق امنیت. سال ۹، ش ۳۲، پاییز.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۴). «الگوی امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه آفاق امنیت. سال ۸، ش ۲۶، بهار.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۹). روش کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان.
- اسماعیلی، محسن و هادی طحان نظیف هادی (۱۳۸۷). «تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران». مجله معارف اسلامی و حقوق. ش ۲۸، پاییز و زمستان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۳). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی، چ ۹.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز. انتشارات وزارت کشور.
- تابناک (۱۳۹۸). «درمورد حشد الشعبی». قابل دسترسی در:  
<https://www.tabnak.ir/fa/tags/20134>
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). اعتماد، دموکراسی، توسعه. تهران: نشر شیرازه.
- الجزیره (۲۰۱۴). هیئه رسمیه للحشد الشعبی فی العراق:  
<http://www.aljazeera.net/news/arabic/2014/12/17>
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و محسن توکلیان و ناهید قمریان نصرآبادی (۱۳۹۳). «بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ش ۲۱، زمستان.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب (۱۳۸۳). «مدیریت راهبردی روابط عمومی». هنر هشتم. ش ۳، پاییز.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۵). «متن قانون حشد الشعبی عراق با ۱۱ ماده منتشر شد». قابل دسترسی در:  
<https://www.mehrnews.com/news/3834631>



- خبرگزاری فارس (۱۳۹۸). «فتوای بی سابقه آیت الله علیه تکفیر، حشد الشعبی چگونه شکل گرفت؟»  
 قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.com/news/13980325000460>

- دغاغله، عقیل (۱۳۸۶). «نسبت‌سنجی هویت‌های اجتماعی و الگوهای هویت‌یابی در جهان امروز». راهبرد. ش ۴۵، پاییز.

- الرواشدی، عبدالرحمن سلوم (۲۰۱۲). الجهاد العلامی، تاصیل و تفعیل، قراءه فی اعلام الجهادی فی العراق. المشرف العام علی وكالة حق اخباریه:

<http://www.haqnews.net/SaveNews.aspx?id=19530>

- روزنامه ایران (۱۳۹۵). «توصیه آیت الله سیستانی به وحدت مسلمانان عراق: فتوای من علیه داعش بود، نه اهل سنت». ش ۶۲۳۸، مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۶.

- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.  
 - فاین، بن (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی. ترجمه سیدمحمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات؛ قدرت هویت. ترجمه علی پایا. تهران: طرح نو.  
 - کاووسی، اسماعیل و عباس طلوعی اشلقی (۱۳۸۶). «ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی». پژوهشنامه سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۴). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی، چ ۶.  
 - مشرق (۱۳۹۳). «۲۰ فرمان آیت الله سیستانی به رزمندگان برای جنگ با داعش». قابل دسترسی در:  
<https://www.mashreghnews.ir/news/389689/20>

- مک‌سویینی، بیل (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت. ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
 - موقع القيادة العليا للجهاد والتحرير (۲۰۰۷). المؤتمر التأسيسي:

[http://hcjl.ws/ar/?page\\_id=6](http://hcjl.ws/ar/?page_id=6)

- موقع ذیقار (۲۰۱۴). بیان جیش رجال نقشبندیه لاشعار شعبنا العراقي الابی و شعوب العلم لما یجری فی العراق: [www.dhiqar.net/art.php?Id=41021](http://www.dhiqar.net/art.php?Id=41021)

- الوقت (۱۳۹۴/۹/۵). «حشد الشعبی (نیروی بسیجی عراق) چرا و چگونه شکل گرفت؟» قابل دسترسی در: <http://alwaght.com/fa/news/2/274>

- وكالة المدى (۲۰۱۴). الفیاض یعلن تشکیل مدیریه الحشد الشعبی و ینفی دخول قوه من فیلق القدس الإيراني إلى العراق: <http://www.almadapress.com/ar/news/32602/>



## منابع لاتین

- Abi-Habib, Maria (2014) Shiite Militias Decamping From Syria to Fight in Iraq, Wall Street Journal, June 17, 2014,
  - <http://www.wsj.com/articles/shiite-militias-decamping-from-syria-to-fight-in-iraq-1403051977>.
- abna (2014) Four Thousand Defenders Enter the Zeinab Shrine from Iraq, Ahlul-Bayt News Agency, June 25, 2014,
  - <http://www.abna.ir/persian/service/middle/archive/2014/06/15/616256/story.html>
- Bell, Theodore (2014) Increased Rebel Unity Threatens Assad In Damascus And Southern Syria, Institute for the Study of War, October 28, 2014,
  - [http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Theo\\_Damascus\\_Backgrounder.pdf](http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Theo_Damascus_Backgrounder.pdf) ; Maria Abi-Habib, Shiite Militias Decamping From Syria to Fight in Iraq, Wall Street Journal, June 17, 2014,
    - <http://www.wsj.com/articles/shiite-militias-decamping-from-syria-to-fight-in-iraq-1403051977>.
- Duman, Bilgay (2015) A new Controversial Actor in Post – ISIS Iraq: Al-hashd Al-shaabi (the popular mobilization forces), ORSAM Report No:198, ISBN: 978-605-9157-01-8:
  - [http://www.orsam.org.tr/en/enUploads/Article/Files/2015527\\_198raporengweb.pdf](http://www.orsam.org.tr/en/enUploads/Article/Files/2015527_198raporengweb.pdf)
- European politics (2002) Traditional versus societal security and the role of securitization, southeast European politics, june 2002, vol 3, no.1, pp.71-76.
- Harris, Shane (2014) The Re-Baathification of Iraq, foreignpolicy, available at:  
<https://foreignpolicy.com/2014/08/21/the-re-baathification-of-iraq>
- Putnam, Robert D. (2000) Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon & Schuster.

